

زنان سرپرست و سنگینی مشکلات خانواده بر دوش آنان

مهوش حسینی



بسیار کمی دریافت می‌کنند. ۲- افتادن در دام فحشاء و ورود به بازار روسپیگری: امروزه اکثر روسپیان در کشور ما، زنان بی سرپرست یا بدسرپرست هستند که در بسیاری موارد: فقر، نبود آگاهی و اجبار خانواده عواملی در ورود آنها به بازار روسپیگری بوده است و چه بسا دارند که در این بازار با انواع بیماری‌های مقاربتی، ضرب و شتم از سوی مشتریان مرد و خلف وعده در گرفتن دستمزد رو به رو هستند. ۳- ناامنی بدن و مخدوش شدن روابط اجتماعی اگر چه فشار مسئله بر روی زنان سرپرست خانوار زیاد است، اما این تنها مشکلی نیست که آنان را تهدید می‌کند. در جوامعی مانند جامعه ما که زن اعتبار اجتماعی و امنیت خود را از مردان خانواده می‌گیرد، زن بدون مرد برای بسیاری مردان به عنوان یک فرصت و یک بدن بی صاحب جلوه می‌کند که قصد تصاحب و کام‌جویی از آن را دارند. این مسئله در ابعاد متفاوتی

جامعه می‌باشد. از جمله عواملی که توسعه یافتگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، امکان دسترسی زنان، همانند مردان به فرصت‌های برابر در کسب امتیازات اقتصادی-اجتماعی و رفع فقر از آنان است. این مسئله برای زنان سرپرست خانوار در جامعه محسوس‌تر و حائز اهمیت است. بنابراین زنان سرپرست خانوار به عنوان قشری قابل تأمل و توجه در جامعه و به دلیل داشتن شرایط خاص اجتماعی و اقتصادی حاکم بر کشور، در معرض آسیب‌های اجتماعی گوناگون بوده که شناخت و رفع آنها از وظایف دستگاه‌های دولتی و عمومی و مردمی می‌باشد که در ادامه به برخی از چالش‌های اجتماعی پیش روی آنان به شرح زیر می‌پردازیم.

۱- یافته‌های تحقیقات در ایران و سایر کشور های جهان نشان می‌دهد زنان سرپرست خانواده با مشکلات اقتصادی، فقر شکننده، فشارهای مزمن و مداوم و نگرش‌های منفی اجتماعی نسبت به خود رو به رو بوده و حمایت‌های اجتماعی

با توجه به افزایش روز افزون نرخ زنان سرپرست خانوار در سراسر کشور و رویارویی آنان با مشکلات اقتصادی، عدم آمادگی شان برای اداره امور اقتصادی خانواده، نگرش-های منفی اجتماعی نسبت به زن سرپرست خانوار، نگرانی نسبت به آینده فرزندان و ... نوشتار حاضر نگاهی دارد به مشکلات پیشروی این زنان.

زنان سرپرست خانوار زنانی هستند که عهده دار تأمین معاش مادی و معنوی خود و اعضای خانوار هستند. بر این اساس، زنان سرپرست خانوار در ایران شامل: زنان مطلقه، زنان همسر فوت شده، زنان دارای همسر (زندانی، معتاد، بیکار، بیمار و ...)، زنان ازدواج نکرده و زنان دارای همسر مجهول‌المکان می‌باشد. توسعه یافتگی هدفی است که هر کشوری برای رسیدن به آن تلاش می‌کند. یکی از اصول توسعه متوازن، ارتقای کیفیت زندگی و توانمندی مردان و زنان آن

۱۳- نداشتن شغل: مهمترین دغدغه زنان سرپرست خانوار، نداشتن شغل و نبود تأمین اجتماعی لازم است.
 ۱۴- طرد اجتماعی و عدم پذیرش زنان سرپرست خانوار از طرف خانواده و جامعه.
 ۱۵- افزایش بار مالی سازمان های حمایتی و دولتی به علت افزایش زنان سرپرست خانوار در چند سال اخیر
 ۱۶- گسترش آسیب های اجتماعی جامعه: زیرا افزایش زنان سرپرست خانوار موجب شده که زنان بیشتری از جامعه در معرض آسیب قرار گیرند.
 ۱۷- زنانه شدن فقر که پیامدهای منفی آن افزایش فقر و محرومیت بیشتر زنان از امکانات و فرصت های زندگی است.

زنان سرپرست خانوار

در اغلب موارد به دلیل از دست دادن همسر و سپس از بین رفتن حلقه روابط دوستانه، همسایگی و تا حد کمی خانوادگی، مشکلات عاطفی زیادی در زندگی روزمره پیدا می کنند.
آنها از حقوق مسلمی مانند ازدواج مجدد و برقراری روابط عاطفی و احساسی با دیگر افراد محروم می مانند و در اکثر موارد صرفاً به فرزندان خود دل بسته می شوند و این دل بستگی عاطفی بیش از حد موجب می شود تا بعدها استقلال فرزندان این زنان هم دچار مشکل شود.

منابع:

۱. سازمان بهزیستی کشور، معاونت اجتماعی دفتر امور زنان و خانواده، ۱۳۷۹، ص ۸۰.
۲. خسروی، زهره، بررسی آسیب های روانی - اجتماعی زنان سرپرست خانوار، فصلنامه علمی و پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، پاییز ۱۳۸۰، شماره ۳۹، ص ۸۹.
۳. راشدی، رضوان و کتابیون مصری، زنان و آسیب های اجتماعی، مجله حقوق زنان، مهر و آبان ۱۳۸۴، شماره ۲۶، ص ۱۴۰.
۴. معیدفر، سعید و نفیسه حمیدی، زنان سرپرست خانوار و ناگفته های آسیب های اجتماعی، مجله مطالعات جامعه شناختی، زمستان ۱۳۸۶، شماره ۳۲، ص ۱۴۸.
۵. همان، ص ۱۵۰.
۶. همان، ص ۱۵۲.

مردان و زنان خانواده زن و خانواده شوهر سابق در این زمینه رفتارهای متفاوتی را پی می گیرند. مردانی مانند برادر، پدر، پدرشوهر، برادر شوهر و ... ممکن است برای زن مشکلاتی ایجاد کنند، مثلاً به او اجازه کار کردن و مستقل بودن ندهند و در عوض، تکفل وی را بر عهده بگیرند، یا در مورد روابط اجتماعی زن با سایر مردان به او مشکوک شوند و بایدها و نبایدهایی را به وی تحمیل کنند یا مردان خانواده همسر سابق ممکن است داعیه هایی در مورد فرزندان زن و حضانت آنان داشته باشند و خلاصه همه این مردان می توانند در دسرهای زیادی برای زنان سرپرست خانوار درست کنند که گاهی نیز موجب درگیری و نزاع این زنان با خانواده شان می شود. ارث هم یکی از درگیری هایی است که معمولاً بار چنین زنانی را سنگین تر می کند. ۶.

۶- توسعه فقر: زنان بیش از مردان در خطر فقر قرار دارند چرا که از قابلیت ها و فرصت هایی که مردان برای کاهش فقر از آن برخوردارند، محروم اند.

۷- در معرض آسیب قرار گرفتن زنان سرپرست خانوار به دلایلی از جمله فقر، فقدان یک چتر حمایتی و تأمین مالی، کمبود مهارت های حرفه ای و زندگی در مواجهه با بی همسری و نگهداری و تربیت فرزندان.

۸- آسیب پذیری فرزندان تحت حمایت زنان سرپرست خانوار از جمله فرار کودکان، بزهکاری، محرومیت از تحصیل و سوء تغذیه.

۹- احتمال سوء استفاده های غیر اخلاقی مردان از زنان بی سرپرست خصوصاً با جنبه حمایتی

۱۰- نگرش منفی مردم نسبت به زنان سرپرست خانوار و نبود دید مثبت برای ازدواج مجدد آنان، نگاهها، گرایشات نادرست بعضی از مردان طماع برای بهره مندی موقت و آسان از این زنان.

۱۱- منزوی شدن زنان سرپرست خانوار: پیامدهای ناشی از طلاق و در مواردی شرمساری از نوع شغل سبب می شود این گونه زنان از روابط اجتماعی با دیگران پرهیز کنند.

۱۲- ترس و اضطراب زنان سرپرست خانوار از آینده مبهم و نامعلوم به علت نبود تضمین برای تأمین نیازهای زندگی آتی .

نمود می یابد که از تقاضای ازدواج های نامطلوب و بدون شرایط مناسب آغاز شده و به موارد دیگری نظیر تقاضای صیغه شدن و تجاوز می انجامد. ۴

۴- محرومیت از حقوق اجتماعی و مشکلات عاطفی:

زنان سرپرست خانوار در اغلب موارد به دلیل از دست دادن همسر و سپس از بین رفتن حلقه روابط دوستانه، همسایگی و تا حد کمی خانوادگی، مشکلات عاطفی زیادی در زندگی روزمره پیدا می کنند. آنها از حقوق مسلمی مانند ازدواج مجدد و برقراری روابط عاطفی و احساسی با دیگر افراد محروم می مانند و در اکثر موارد صرفاً به فرزندان خود دل بسته می شوند و این دل بستگی عاطفی بیش از حد موجب می شود تا بعدها استقلال فرزندان این زنان هم دچار مشکل شود. مخصوصاً زمانی که خانواده را به قصد ازدواج، تحصیل و ... رها می کنند، مشکلات عاطفی زن سرپرست بیشتر می شود. ۵.

گر چه فشار بر روی زنان سرپرست خانوار زیاد است، اما این تنها مشکلی نیست که آنان را تهدید می کند. در جوامعی مانند جامعه ما که زن اعتبار اجتماعی و امنیت خود را از مردان خانواده می گیرد، زن بدون مرد برای بسیاری مردان به عنوان یک فرصت و یک بدن بی صاحب جلوه می کند که قصد تصاحب و کام جویی از آن را دارند. این مسئله در ابعاد متفاوتی نمود می یابد که از تقاضای ازدواج های نامطلوب و بدون شرایط مناسب آغاز شده و به موارد دیگری نظیر تقاضای صیغه شدن و تجاوز می انجامد.

۵- مشکلات عدیده در ارتباط با خانواده و فرزندان

از آنجا که در اندیشه مردسالارانه، زن موجودی تحت امر مرد است، پس از بی سرپرست شدن زن، دیگران سعی می کنند جای خالی مرد را گرفته و به دستور دادن و غیرت ورزیدن درباره زن پردازند.